

## مثل های مشترک ایران و چین

عباس فاضلی

دکتری زبان و ادبیات فارسی

مدیر گروه زبان فارسی مرکز علمی تربیتی المصطفی واحد آشتیان

### چکیده

ارتباط میان ملت ها از طرق گوناگون انجام می پذیرد ارتباطات دینی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی . در این میان فرهنگ می تواند با دامنه ی فراگیر خود در پیوند ملل ، نقشی اساسی ایفا کند. یکی از جلوه های درخشان هر فرهنگ ادبیات آن است. مثل ها عصاره گونه ای از ادبیات کتبی و شفاهی هر قوم و ملتند که نزد آنان اقبالی همگانی یافته است و در طی زمان، زبان به زبان می چرخد.

از جمله راه های پیوند و تقریب ملل، کنار هم نهادن و به گفتگو نشان دادن مثل های متعلق به فرهنگ های گوناگون است. در این مقاله تلاش نموده ایم با مراجعه به منابع متعدد و متنوع امثال و حکم فارسی نیز منابعی که مثل های چینی را ترجمه کرده یا در کتب خویش آورده اند؛ معدودی از پیام های مشترک این دو فرهنگ کهن و غنی را بیابیم و در کنار هم بنشانیم؛ شاید دریچه ای باشد به تماشای اندیشه ها، راه ها، آرمان ها، دلهره ها و دردمندی های مشترک اهالی این دو فرهنگ و گامی باشد بس کوتاه برای نمایش راه بلند تقریب ملت ها.

**کلید واژه ها:** مثل های ایران ، مثل های چین، مثل های ایران و چین

جهان امروز، به ظاهر دهکده ای جهانی، بلکه فراتر از آن «خانه ای جهانی» است که ساکنان آن، در پرتو رسانه‌ها سخت در ارتباطند و بسی آسان، با هم گفتگوها دارند. با این حال، محتوایی که جماعت جهان را به هم مرتبط می‌کند؛ گویی در بسیاری از اوقات راه جدایی و پریشانی را در پیش گرفته است؛ محتوی‌هایی از قبیل: افترا، تکذیب، تخریب، سلب اعتماد و... .

امروزه شاید یکی از مهم‌ترین وظایف انسان این است که در جستجوی عواملی برآید که با آن بتواند هر چه بیشتر خلاقیت را به سوی یگانگی سوق دهد. عواملی که مبتنی بر اندیشه‌های نغز، عمیق، جامع، پخته و دور اندیشانه است. از جمله جلوه‌های درخشان فرهنگ بشر ادبیات ملت‌هاست. یکی از مهم‌ترین اجزای تاریخ‌مندی ادبیات کتبی و شفاهی که پیام آسمان یا ره‌آورد اندیشه بشر است و می‌تواند دست‌آهالی جهان را به مهر در دست هم‌بنهد «مثل‌های ملل» است. گفته‌هایی که خواسته یا ناخواسته، همصدایی‌ها و هم‌آرمانی‌های بشر را سر می‌دهند. مثل‌ها آن دسته از سخنان هستند که با گذر از زمان و مکان و احیاناً طی مراحل تکامل، همواره مقتدرانه در صدر اندیشه‌ها مانده‌اند تا معلم‌واره‌هایی جاودانه برای رشد فرهنگ ملل باشند.

مثل‌ها قریب به اتفاق زیبا هستند؛ زیبا در لفظ و زیبا در معنی. مثل‌ها با بلاغتی طبیعی، مخاطب را مسحور تأثیر خود می‌کنند و به مدد موسیقی لب‌نواز و گوش‌نواز خویش به شایستگی بر جان شنونده می‌نشینند. این سخنان برجسته و قدرتمند اغلب از چنان قدرتی برخوردارند که گاهی از گوینده، نویسنده یا سراینده خود به سرعت پیش می‌افتند و آنان را در گذر زمان به دست‌نسیان می‌سپارند و خود در مسیر زمان مشهور و ماندنی می‌شوند.

مثل‌ها در بسیاری از موارد اندیشه‌های پخته و پالوده‌ی بشرند که تاریخ‌تفکر، آن‌ها را به عنوان نصایح، راه‌کارها، و دلهره‌ها پذیرفته است.

مثل‌ها شاید خوش‌اقبال‌ترین جملات هر زبان هستند که پس از گذران آزمون و خطای خویش در دل‌های جوامع زبانی نشسته و بر زبان‌هاشان جاری شده‌اند.

این جملات ناب به رغم کوتاهی‌شان عمق نگاه، جامعیت و جهان‌بینی اقوام و ملل را به نمایش می‌گذارند. در مثل‌ها احيانا گمراهی‌ها، خرافه‌ها و کژاندیشی‌ها را نیز می‌توان مشاهده کرد و از همین روست که برخی از مثل‌ها از زبان دیگر مثل‌ها مذمت شده‌اند.

### **سرچشمه مثل‌ها**

گاهی سرچشمه‌ی مثل‌ها متون مقدس یا سخن‌پیشوایان ادیان؛ گاهی سروده یا سخن شاعر و نویسنده‌ای است چنان‌که گاه یادگار طبع گویندگانی است که امثال را به ایام سپرده و خود از یادها رفته‌اند.

سهم سرایندگان، نویسندگان و گویندگان در آفرینش مثل متفاوت است؛ برخی، از چنان‌طبعی برخوردارند که در قلمرو مثل‌سازی، بی‌چون و چرا، امپراطور سخن‌اند؛ چنانکه در جغرافیای زبان و ادب فارسی، شیخ اجل سعدی از دیگر ارکان ادب فارسی؛ همچون نظامی، مولوی، حافظ و صایب با فاصله‌ای خیره‌کننده، رتبه اول را در آفرینش مثل فارسی، از آن خود نموده‌است.

واضح است که ره‌آورد برخی از ادبا نیز در این عرصه ناچیز و اندک است و ای بسا ادیبی که حاصل عمرش در این عرصه، خلق تنها چند یا حتی یک مثل باشد.

### **مثل در نگاه جهان**

مثل در چشم‌اهالی جهان از ارزشی ویژه برخوردار است. با نگاهی گذرا به جملاتی که جهانیان در وصف این «افشردی فرهنگی» گفته‌اند؛ می‌توان به میزان اهمیتی که برای آن قایلند پی برد.

در این کوتاه سخنان نغز، که خود نیز در شمار امثال اند، مثل مبتنی بر حقیقت، کلید اندیشه، برتر از یک کتاب، نمایانگر فرهنگ ها و... معرفی شده است؛ چنانکه گاهی مثلی به نقد و ملامت گروهی از امثال برخاسته اند که از سر احساسات و کم تعمقی، قضاوتی نابجا و پیامی ناپخته بیان کرده اند.

برای روشن شدن، شواهدی چند از فرهنگ های گوناگون یاد آوری می کنیم که اغلب به

ارجمندی، جایگاه ویژه و کارکرد «مثل» در نزد ملل گواهی می دهد:

-ضرب المثل های خوب آموزنده ترین سخنانند.

(ایرانی)

-ضرب المثل خوب آموزنده تر از یک کتاب خوب است.

(ایرانی)

-ضرب المثل ها نمایانگر فرهنگ و اعتقادات هر ملت اند.

(ایرانی)

-ضرب المثل ها حکمت و فلسفه ی کوچه و بازارند.

(ایرانی)

- ضرب المثل چاشنی کلام است.

(ایرانی)

-ضرب المثل مکمل کلام است.

(ایرانی)

-ضرب المثل آرایشگر سخن است.

(ایرانی)

-ضرب المثل وقتی بر دل می نشیند که حقیقتی را بیان کند.

(ایرانی)

-بزرگ ترین حکمت در ضرب المثل است.

(پاکستانی)

-ضرب المثل ها سکه های حکمت بین مردم اند.

(روسیه)

-ضرب المثلی نیست که بر حقیقتی دلالت نکند.

(روسیه)

ضرب المثل های کهنه بسیارند ولی معانی خوبی دارند.

(آلمانی)

-ضرب المثل کلید اندیشه است.

(استونیایی)

-ضرب المثل های کهن فرزند حقیقت اند.

(ویلز)

-ضرب المثل بی معنا کم نیست.

(ایرانی)

-ضرب المثل بد یاوه گویی آدم های عقده ایست.

(ایرانی)

-ضرب المثل ها پیوسته با یکدیگر در حال جنگ و جدلند.

(سوئسی)

### مقایسه ی امثال ملل

مقایسه مثل های ملت ها که گویی اصلی ترین و مانا ترین یادگار اندیشه بشرند می تواند دوستی ها با هم بودن ها، اندیشه ها و درد مندی های مشترک آنان را به نمایش بگذارد تا بدانند و بیندیشند که حتی فاصله های دور جغرافیایی و مسافت های طولانی زمان مانعی در راه هم سخنی وهم داستانی نوع بشر در مسیر آرمان ها و اهدافش نیست. آری مثل ها که از آغاز تا کنون راه پر پیچ و خم و فراز و فرود تاریخ را در نور دیده اند می توانند همچنان خستگی ناپذیر قدم پیش گذارند و با صدای رسا رسالت تقریب ملل را بر عهده گیرند.

### صحت امثال ایران و چین

بررسی امثال اگر میان فرهنگ هایی باشد که دارای تاریخی کهن و فرهنگی غنی باشند اهمیت آن ویژه تر خواهد بود؛ زیرا این گونه فرهنگ ها حسب قاعده هم از حیث خلق مثل، حاصل خیز تر خواهند بود و هم محصولات آنان ظرافت و پختگی بیشتری خواهد داشت. در این میان دو کشور ایران و چین با پیشینه ای طولانی از چنین شرایطی برخوردارند. در این نوشته برخی از امثال را که میان فرهنگ ایران و چین مشترک یا به هم نزدیک است بیان می کنیم؛ شاید گامی باشد در مسیر صمیمیت و اتحاد دلهای جهان.

#### ۱- ارزش واقعی

نه هر چه به قامت مهتر، به قیمت بهتر.

(ایرانی)

= بزرگی مرد به قامت و ثروت او نیست.

(چینی)

۲- اشتباه

اشتباه در یک لحظه پشیمانی در یک عمر است.

(ایرانی)

= اشتباه یک لحظه یک عمر اندوه به بار می آورد.

(چینی)

۳- برهنه می رویم

آدم برهنه می آید و برهنه هم می رود.

- برهنه آمدیم، برهنه می رویم.

(ایرانی)

= عریان به دنیا می آییم و عریان از دنیا می رویم.

(چینی)

۴- بزرگان

کار بزرگان نبود کار خرد.

(ایرانی)

پرنده ی بزرگ دانه ی کوچک بر نمی چیند.

(چینی)

۵- بزگر

یک بزگر گله را گر میکند.

(ایرانی)

= یک تکه گوشت فاسد همه ی غذا را فاسد میکند.

(چینی)

۶- پاکدلی

دل آدم باید پاک باشد.

-آدم باید چشم و دلش پاک باشد.

(ایرانی)

= دلت را چنان تمیز کن که ظرفت را.

(چینی)

۷- پختگی

الف: آن میوه که پخته شد بیفتد ز درخت.

ب: آب راه خودش را باز می کند.

(ایرانی)



=میوه ی رسیده خود به خود می ریزد و آب راه خود را باز می کند.

(چینی)

۸- پول عیب پوش

پول یکی از اسم هایش ستار العیوب است.

-بی پولی یک عیب را صدتا می کند، پولداری صد عیب را یک عیب.

- عیب آمد تا گوش زر شد پرده پوش

(ایرانی)

= پول زشتی ها را می پوشاند.

(چینی)

۹- پول نمی ماند

پول سخت به دست می آید و آسان از دست می رود.

(ایرانی)

-پول مثل فرو رفتن آب در شنزار خرج می شود.

(چینی)

۱۰- پول و ناتوانی

آبرو را نمی شود با پول خرید.

(ایرانی)

= پول نمی تواند چیزهایی را که فروشی نیست، بخرد.

(چینی)

۱۱- تابستان و تلاش

هر کس که به تابستان در سایه بخسبد

خوابش نبرد گرسنه شب های زمستان

- جیک جیک مستونت بود فکر زمستونت نبود.

(ایرانی)

= تابستان که می خندی به فکر اخم زمستان هم باش

(چینی)

۱۲- تنهایی

یک دست صدا ندارد.

- یک دست ندیدم که صدا داشته باشد.

(ایرانی)

= با یک دست نمی توان دست زد.

(چینی)

۱۳- حقیقت

حقیقت تلخ است

(ایرانی)

= حقیقت آزار دهنده است

(چینی)

۱۴-خشم

خشمگنی مانع از حقیقت گویی است

(ایرانی)

= آدم خشمگین نمی تواند حقیقت را بگوید

(چینی)

۱۵- دانا آشنای همه

دانا به هیچ شهر و ولایت غریب نیست.

-صاحب هنر به هیچ مکانی غریب

(ایرانی)

= برای دانشمند، هیچ کشوری بیگانه نیست.

(چینی)

۱۶- دوست (یار)

یک یار یار به از صد برادر ناسازگار.

-یک یارنیک بهتر از برادر نزدیک .

(ایرانی)

= دوستان مهربان از برادران نامهربان بهترند.

(چینی)

۱۷- دوست یابی و دشمن سازی

به صد سال یک دوست آید به دست

به یک روز دشمن توان کرد شصت

-صد دوست به یک روز توان دشمن ساخت

یک دوست به صد سال توان پیدا کرد

(ایرانی)

= مشکل می توان سالی یک دوست پیدا کرد؛ ولی به دقیقه ای می توان دوستی را آزرده خاطر ساخت و از دست داد.

(چینی)

۱۸- دیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن.

-شنیده کی بود مانند دیده.

(ایرانی)

= شنیدن گوش مانند دیدن چشم نیست.

- صد شنیدن به یک دیدن نمی‌ارزد.

= به چشم بیش از گوش اعتماد کن.

(چینی)

۱۹- دیده و دل

اگر دیده نبیند دل نخواهد

- هر چه از دیده دور از دل دور

- از دل برود هر آنچه از دیده برفت

(ایرانی)

= آنچه چشم نمی‌بیند دل غصه اش را نمی‌خورد

(چینی)

۲۰- راحت پس از رنج

در عقب رنج بسی راحت است.

- مرد چون رنج برد گنج برد.

(ایرانی)

= کسی که با زحمت کار می‌کند با خوشحالی خواهد خورد.

- وقتی تلخی مصیبت تمام می‌شود؛ شیرینی خوشبختی فرا می‌رسد.

(چینی)

۲۱- راز خود نهفتن

اگر چه دوست عزیز است راز خویش و مگوی

که دوست نیز بگوید به دوستان عزیز

(ایرانی)

= اگر می خواهی دشمن اسرار تو را نداند، راز خود را به دوست مگو.

(چینی)

۲۲- رفت و آمد

هر رفتی آمدی دارد.

- هر رفتنی آمدنی دارد.

(ایرانی)

- بدون رفتن، برگشتی در کار نخواهد بود.

(چینی)

۲۳- زبان خطرناک

بس سر که بریده ی زبان است

زبان حیوان درنده ایست که اگر مهار نشود صاحبش را می درد

(ایرانی)

= زبان کنام اژدهاست .

= زبان دردنده است اگر رهایش کنی تو را می خورد.

(چینی)

۲۴- زخم زبان

زخم زبان دوا ندارد

- هر زخمی دوا دارد جز زخم زبان

(ایرانی)

= دشنام جراحی است درمان ناپذیر.

(چینی)

۲۵- زیبایی

دشمن طاووس آمد پر او

- خوشگلی زیاد هم مایه ی درد سر است.

- فقط پرنده ی زیباست که زندانی می شود.

(چینی)

۲۶- سحر خیزی

سحر خیز باش تا کام روا باشی.

-صبح خیزی دلیل فیروزی است.

(ایرانی)

= هر کس زودتر با بانگ خروس از خواب بیدار شود، به بهشت می رود.

(چینی)

۲۷- سخن و زبان

آدمی مخفی است در زیر زبان

(ایرانی)

= من از آنچه از دهانت خارج می شود در باره ی تو قضاوت می کنم

(چینی)

۲۸- شنیدن به از دیدن

آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

(ایرانی)

= شنیدن بهشت است و دیدن جهنم.

(چینی)

۲۹- شیطان واقعی



دست شیطان را از پشت می بندد

- کلاه سر شیطان می گذارد

- شیطان را هم درس می دهد

- ای بسا ابلیس آدم روی هست

(ایرانی)

= انسان شیطان واقعی است.

(چینی)

۳۰- صبر

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

(ایرانی)

= با بردباری، علف تبدیل به شیر می شود.

(چینی)

۳۱- صبر گره گشا

صبر گشاینده ی هر مشکل است.

- به صبوری گشاده شد بسته

(ایرانی)

- زمان برای هر کسی که می تواند صبر کند هر دری را می گشاید

(چینی)

۳۲- صبر و پیروزی

صبر و ظفر هردو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

-صبوری مایه ی پیروزی آمد

(ایرانی)

= هیچ چیز به اندازه ی صبر پیروزی به دنبال ندارد

(چینی)

۳۳- عمل گرایی

حرف نزن عمل کن

-به عمل کار برآید به سخندانی نیست

-دو صد گفته چون نیم کردار نیست

- با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیشود

(ایرانی)

= مرد کردار باش نه مرد گفتار

- این را بدان که به حرف برنج پخته نمی شو

(چینی)

۳۴- عیب خود ندیدن

تاج سر من خاک کف پای کسی است

کو چشم مرا به عیب خود بینا کرد

- آدمی به عیب خود نابینا ست

(ایرانی)

= انسان عیوب خود را فقط از راه چشمان افراد می فهمد.

(چینی)

۳۵- غرور

هر که ابله تر بود به خویشتن نیکو گمان تر باشد.

(ایرانی)

= ابله پس از انجام هر کاربه خود مغرور می شود.

- غرور سرمایه ی ابلهان است.

(چینی)

۳۶- غم در پس شادی

خوشی را بود در قفا ناخوشی

(ایرانی)

= خوشی زیاد، شباهنگ غم فراوان است.

(چینی)

۳۷- غم فردا

غم چند خوری به کار ناآمده پیش؟

- فردا که نیامده است فریاد مکن

- چو فردا شود کار فردا کنیم

(ایرانی)

= غصه ی فردا را امروز مخور.

(چینی)

۳۸- فقر بدتر از مرگ

برای مردم بدبخت مرگ خوشبختی است .

- مرگ بهتر که زندگانی تلخ.

- ای مرگ بیا که زندگی سیرم کرد

(ایرانی)

= مردگان خوش بخت تر از فقرا هستند.

(چینی)

۳۹- کار کشته (کاردان)

کار برای کار کشته آسان است.

(ایرانی)

= کاردان، کار دشوار نمی پندارد.

(چینی)

۴۰- کبوتر با کبوتر

طیبات آید به سوی طیبین

- کبوتر با کبوتر باز با باز

(ایرانی)

= فضیلت نمی تواند تنها بماند خواه نا خواه همسایگانی پیدا می کند

(چینی)

۴۰- گذشته

گذشته چراغ راه آینده.

(ایرانی)

= گذشته را بدانید تا آینده را بدانید

(چینی)

۴۱- گنج در رنج

نابرده رنج گنج میسر نمی شود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

- گنج بی رنج ندیده است کسی.

(ایرانی)

= کسانی که زهر زندگی را نچشیده اند شهد زندگی را نخواهند چشید

(چینی)

۴۲- مرگ همه گیر

مرگ بزرگ و کوچک ندارد

-مرگ شتریسست که در خانه ی هر کسی میخوابد

(ایرانی)

= قبر، هم پیر را به خود می گیرد هم جوان را.

(چینی)

۴۳- مشت نمونه ی خروار

مشت نمونه ی خروار است

(ایرانی)

= نصف پرتقال به اندازه ی تمام پرتقال خوشمزه است

(چینی)

۴۴- مشورت

در همه کار مشورت باید

-مشورت رهبر صواب آید

(ایرانی)

= اگر می خواهی کاری را خوب انجام بدهی، با سه نفر مالخورده مشورت کن.

(چینی)

۴۵- نصیحت پذیری

- نصیحت گوش کن جانا که ازجان دوست تر دارند

جوانان سعادت مند پند پیر دانا را

- پیران سخن به تجربه گویند گفتمت

هان ای پسر که پیرشوی پند گوش کن

(ایرانی)

= پیر باید اندرز بدهد و جوان باید اندرز بپذیرد.

(چینی)

۴۶- نظام احسن

اندر این ملک چو طاووس به کار است مگس

(ایرانی)

= تمام کالاها مشتری دارد

(چینی)

۴۷- همدلی و برادری

دو برادر هم پشت پشت کوه را خم می کنند .

-دودل یک شود بشکند کوه را

پراکندگی آرد انبوه را

(ایرانی)

= اگر برادران با هم کار کنند، از کوه «زر» می سازند.

(چینی)

۴۸- همسایه

پرسش همسایه را از همسایه می کنند.

-بد همسایه را همسایه می داند

(ایرانی)

= اگر می خواهی بر اسرار مردی آگاه شوی از همسایه اش سوال کن.

(چینی)

۴۹- همه کاره

همه کاره هیچ کاره است.

-مرغ همه گیر هیچ گیر است.



(ایرانی)

= آن که در باره ی همه چیز می اندیشد، در باره ی هیچ چیز تصمیم نمی گیرد.

(چینی)

## نتیجه گیری

هر دو گون امثال برفضیلت هایی؛ چون صبوری، سحر خیزی، تمرکز بر کار و هدف واحد و عمل گرایی تأکید کرده اند و در مقابل از اوصافی؛ همچون سخن پردازی صرف، اسیر چشم خود گشتن، وزخم زبان زدن بر حذر داشته اند.

از نگاه هر دو فرهنگ در عالم وجود هیچ چیز بی حکمت نیست و هر پدیده ای به نوبه ی خود نقشی ایفا می کند.

- در امور بسیار مهم همچون مراقبت از زبان و پرهیز از سخن گفتن نابجا همگونی و شباهت سخنان دو فرهنگ بسیار بالاست

- گاهی در یکی از فرهنگ ها گزاره ای به نهادی نسبت داده شده است که حالتی کلی و عام دارد در حالی که در فرهنگ مورد مقایسه همان گزاره به یکی از مصادیق بارز آن کلی نسبت داده شده است.

- گاهی مثل های هر دو فرهنگ دقیقا یک نکته را بیان کرده اند با این تفاوت که یکی با جمله ی مثبت و دیگری همان نکته را با جمله ی منفی بیان کرده است که شاید این نکته از منظر جامعه شناسی جای درنگ و پژوهش داشته باشد.

- گاهی گزاره‌ها در دوسوی مقایسه با هم متفاوت اند؛ اما یکی منجر به دیگری می‌شود و آن دیگر، نتیجه این به حساب می‌آید.

- هر دو فرهنگ عمل‌گرایی را برتر از سخن‌پردازی‌های مدعیانه می‌دانند که به عمل منتهی نمی‌شود و ملازم آن نیست.

- گاهی مثل‌های یک زبان خود حاصل تأثیرپذیری از فرهنگی ثالث است؛ چنانکه بسیاری از امثال عربی و فارسی از طریق رفت و آمدهای ترجمه‌ای، فرهنگی و... باهم داد ستد داشته‌اند

- هر دو فرهنگ به دو طرفه بودن آداب اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری دو جانبه در روابط اجتماعی تأکید دارند.

- هر دو فرهنگ بزرگی و عظمت آدمی را و رای‌ظواهر و مطامعی می‌دانند که هر انسانی با تمرکز بر آن و عبور از قواعد انسانی می‌تواند به‌داشت و انباشت آن پردازد.

## منابع

- ۱- حافظ، خواجه شمس الدین محمد ۱۳۷۵، دیوان حافظ، به کوشش خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه.
- ۲- دهخدا، علی اکبر ۱۳۹۱، امثال وحکم، تهران: امر کبیر.
- ۳- دهگان، بهمن ۱۳۸۴، فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴- ذوالفقاری، حسن ۱۳۹۲، فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی، تهران: نشر علم.
- ۵- رحمت نژاد-ح ۱۳۹۲، ضرب المثل های جهان، تهران: عارف کامل.
- ۶- رحمت نژاد-ح ۱۳۸۹، ضرب المثل های دنیا، تهران: عارف کامل.
- ۷- سعدی، بوستان ۱۳۶۳، تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۸- سعدی، گلستان ۱۳۶۶، تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۹- ساداتیان، حمیدرضا ۱۳۸۹، گنجینه ی ما و شما، تهران: ماوشما.
- ۱۰- شکور زاده، ابراهیم ۱۳۷۲، ده هزار مثل فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۱- محجوب، محمد جعفر ۱۳۵۶، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا، چاپ چهارم، تهران: گلشن.
- ۱۲- مولوی، جلال الدین محمد بلخی رومی ۱۳۷۵، تصحیح قوام الدین خرمشاهی، تهران: ناهید.
- ۱۳- هاشمی، مسعود ۱۳۹۳، ضرب المثل های ایران و جهان، تهران: فرهنگ جهان.